

شناسایی ویژگی‌های محیطی تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری

مطالعه موردی: محلات مخصوص و سلامت، منطقه ۱۱ شهر تهران

شیده شکوری اصل^۱ - دکتری شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۲۱

چکیده

امنیت یکی از نیازهای پایه و حقوق بنیادی انسانی است. از آنجا که فضاهای شهری درحقیقت ظرف و بستر تعاملات اجتماعی را تشکیل می‌دهند، می‌بایست بتوانند امنیت استفاده‌کنندگان خود را تأمین کنند. در غیراین صورت، افراد جز در صورت لزوم و اجبار حاضر به گذران وقت خود در آنها نخواهند بود و این امر می‌تواند به کاهش پویایی و سرزندگی فضاهای یاد شده و در نهایت تبدیل آنها به فضاهایی مرده و بدون نظارت اجتماعی بینجامد. این موضوع، به ویژه در مورد بانوان، به دلیل آسیب‌پذیری بالاتر آنها از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. با توجه به رابطه متقابل محیط و رفتار، بدیهی است که ویژگی‌های محیطی در ایجاد احساس امنیت یا ناامنی در استفاده‌کنندگان (افراد) تأثیر بسزایی دارد. بنابراین در پژوهش حاضر تلاش شده که از طریق شناسایی این ویژگی‌ها، زمینه ایجاد فضاهای شهری ایمن و امن و امکان حضور فعال بانوان در عرصه عمومی به دور از اضطراب‌های محیطی فراهم شود.

در این راستا، در مرحله نخست، تلاش شده با مطالعه متون و ادبیات مرتبط با موضوع پژوهش، چهارچوبی از عوامل، شاخص‌ها و متغیرهای تعریف‌کننده و تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری تدوین شود. سپس چهارچوب تدوین شده در محدوده‌ای که به عنوان مطالعه مطالعاتی پژوهش حاضر معرفی شده (محدوده محلات مخصوص و سلامت، واقع در منطقه ۱۱ شهرداری تهران)، مورد آزمون قرار گرفته است. برای این منظور، از ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی استفاده شده است. در نهایت پس از انجام مشاهدات میدانی، برگزاری چندین جلسه بحث متمرکز گروهی با حضور بانوان و مصاحبه عمیق با کارشناسان و مسئولان محدوده مطالعاتی، پرسشنامه‌ای تنظیم و توسط ۲۰۰ نفر از بانوان محدوده مطالعاتی پاسخ داده شده است. از مجموع مطالعات انجام شده، می‌توان نتیجه گرفت عوامل مکانی (فرم، عملکرد و معنا) در تعریف و سنجش احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری تأثیر بسزایی دارد.

واژگان کلیدی: امنیت، ترس، فضای شهری، بانوان، محلات مخصوص و سلامت (منطقه ۱۱ شهر تهران).

۷۷
شماره
بیست و یکم
زمستان ۱۳۹۵
فصلنامه
علمی-پژوهشی
مطالعات
شهری

شناسایی ویژگی‌های محیطی تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان
در فضاهای شهری

یکی از مهم‌ترین نیازهای انسان، نیاز به احساس امنیت است. احساس امنیت عاملی تأثیرگذار در ارتقای کیفیت زندگی انسان‌هاست. از آنجا که بخش قابل توجهی از فعالیت‌ها و همچنین ارتباطات افراد در عرصه‌های عمومی و فضاهای شهری صورت می‌پذیرد، می‌توان چنین اظهار داشت که یکی از مهم‌ترین عوامل کارایی فضاهای شهری (به خصوص محلات) امن بودن آنهاست. درحقیقت میزان احساس امنیت افراد در فضاهای شهری تا حدود زیادی رفتار فردی و جمعی استفاده‌کنندگان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر فضایی به دلیل ناامن بودن مورد استفاده قرار نگیرد، آن فضا پویایی خود را از دست می‌دهد، که خود این امر می‌تواند به دلیل کاهش میزان نظارت اجتماعی، زمینه مساعدی را برای جرم‌خیزی فضای یاد شده ایجاد کند. این موضوع در مورد بانوان به دلیل آسیب‌پذیری بالاتر آنها اهمیتی دوچندان می‌یابد؛ به ویژه با توجه به این موضوع که بانوان در بسیاری از موارد مسئولیت حفاظت از موجوداتی ضعیف‌تر و آسیب‌پذیرتر (کودکان) را نیز به همراه دارند.

امروزه با وجود آن‌که زنان ایرانی در خیابان‌ها حضور دارند، هنوز فاصله زیادی تا حضور راحت و بدون احساس ناامنی برای آنها وجود دارد. بعضی از فضاهای عمومی، به خصوص در مناطق خاصی از شهر، به شدت تحت سلطه مردان قرار دارد. زنان در فضاهای شهری با خطراتی از جمله دزدی و کیف‌قاپی، گم شدن، متلک‌پرانی و انواع مختلف آزارهای جنسی (دیداری، کلامی و رفتاری) قرار می‌گیرند. عکس‌العمل مورد پذیرش عموم در مواردی که زنی مورد آزار جنسی قرار می‌گیرد، مداراست که خود باعث تقویت احساس ناامنی و آسیب‌پذیری در فضاهای عمومی می‌شود. توجه به این نکته ضروری است که ترس از جرم، تأثیرات و محدودیت‌هایی را در رفتارهای اجتماعی بانوان در فضاهای شهری به دنبال دارد، که از آن جمله می‌توان به خارج نشدن بانوان از منزل پس از تاریک شدن هوا، کاهش فرصت‌های رشد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و افزایش وابستگی بانوان به مردان و ایجاد دید کلیشه‌ای به زنان به عنوان موجودات ضعیف و ناتوان اشاره کرد (Lubuva & Mtani, 2004: 21).

با توجه به توضیحات بالا، در پژوهش حاضر تلاش شده از طریق شناسایی ویژگی‌های مؤثر بر درک بانوان از ایمنی و امنیت در مقیاس محله، زمینه‌های لازم برای ایمن و امن کردن محلات فراهم شود. در این راستا، محلات مخصوص و سلامت به دلیل بالا بودن میزان اغتشاشات فضایی و آسیب‌های اجتماعی و آمارهای حاکی از ناامنی، به عنوان محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر انتخاب شده‌اند.

این نوشتار دارای سه بخش اصلی است. در ابتدا و به منظور ایجاد حساسیت نظری، ادبیات موضوع و نظریات مرتبط با موضوع مرور شده‌اند. پس از آن، چهارچوب مفهومی پژوهش (ویژگی‌های محیطی تأثیرگذار بر احساس و ادراک بانوان از امنیت در فضاهای شهری) تدوین شده و در نهایت چهارچوب یاد شده در محدوده

محلات مخصوص و سلامت به آزمون گذارده شده است.

۲. مبانی نظری

۲.۱. امنیت در شهر و فضای شهری

امنیت به نوعی پایه و بنیان زندگی جمعی و تشکیل اجتماعات کوچک اولیه و به دنبال آن شهرها محسوب می‌شود؛ چراکه زندگی فردی یا حتی کوچکی اجتماعات، آسیب‌پذیری آنها را بیشتر می‌کند (Saremi & Saremi, 2011). مفهوم شهر و امنیت از زمانی که جامعه‌شناسی هویت علمی مستقلی یافت، همواره در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است. به طوری که پارک^۲ و برگس^۳ در تبیین شیوه انحرافات و آسیب‌های اجتماعی شهر، بر پدیده شهرنشینی متمرکز شده و بر زبان، قومیت، مهاجرت، حوزه‌های سکونتگاهی و تراکم جمعیت تأکید کرده‌اند (Alikhah & Najibi Rabiee, 2006: 110). امنیت در فضای شهر وابسته به اتصاف امنیت به شهر و در واقع قرار گرفتن شهر در یک سلسله مراتب معنایی است که می‌بایستی به بروز ویژگی‌های کلیدی و بصری در ساختار شهری بینجامد و دارای ابعاد متمایزی است که از خوانش مفاهیم اجتماعی و فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، مذهبی و دینی در ساختار شهری حاصل می‌شود (Bemanian & Mahmoodinejad, 2009: 82).

در قرن اخیر، گسترش فیزیکی و اجتماعی شهرها و تبدیل شدن آنها به مراکز ناهمگن جمعیتی، اجتماعی و فرهنگی، افزایش میزان ناهنجاری‌های شهری، به ویژه در نواحی مرکزی و همچنین افزایش ناهمگنی جمعیتی و اجتماعی و فقر اقتصادی، زمینه بروز آسیب‌های شهری و رشد بی‌رویه و لجام‌گسیخته ناهنجاری‌ها را در شهرها پدید آورده است (Nasiri, 2003: 9). این امر اهمیت جایگاه امنیت در زندگی شهری را دوچندان می‌کند. امروزه امنیت از شاخصه‌های اصلی سنجش کیفیت شهرها و فضاهای شهری است (Rajabi & Azimi, 2015). امنیت و احساس امنیت دارای نقش اساسی در رضایتمندی و آسایش شهروندان و مطلوبیت زندگی در قالب توسعه پایدار انسانی به شمار می‌آیند (Cinar & Cubukcu, 2012: 83). در مقابل احساس ناامنی، خشونت و یا بی‌نظمی زیاد در محیط محله می‌تواند به طور مستقیم و غیرمستقیم، احساس پریشانی، ناتوانی و ترس را افزایش دهد (Mair, 2010: 81).

یک فضای شهری مناسب باید بتواند تا حد زیادی تأمین‌کننده امنیت گروه‌های مختلف استفاده‌کننده باشد. در واقع امروزه می‌توان میزان موفق بودن یک فضای شهری را با توجه به اندازه‌گیری تعداد زنان و مردان استفاده‌کننده و تنوع ویژگی‌های افرادی که در این فضاها همراه با احساس امنیت و آسایش، فعالیت می‌کنند، ارزیابی و بررسی می‌شود (Haji Ahmadi Hamedani & others, 2015).

با وجود توضیحات ارائه شده، در قرن حاضر، فضاهای شهری نامطلوب مشکلات بسیاری را برای تعاملات شهروندان، به ویژه

2 R.E. Park

3 E.W. Burgess

زنان ایجاد کرده است که در رشد آسیب‌های اجتماعی نیز مؤثر بوده‌اند. با گسترش این آسیب‌ها، امنیت رنگ باخته و نرخ جرائم بالا می‌رود و مردم (به ویژه بانوان) در واکنش‌های اجتماعی محتاطانه عمل می‌کنند و با هر اتفاقی ترس و دلهره در آنان دوچندان می‌شود (Rajabi & Azimi, 2015).

۲.۲. رویکردهای مختلف در بررسی، مطالعه و سنجش امنیت زنان

«خطرپذیری»، «احساس ناامنی» و «ترس از جرم» در بین زنان نیز همچون هر مفهوم و اصطلاح دیگری در حوزه علوم اجتماعی دارای فضاهای مفهومی متنوعی هستند که این تفاوت‌ها به رویکرد اتخاذ شده توسط محققان این حوزه برمی‌گردد. با این وصف، تحقیقات صورت گرفته در این خصوص بیشتر در سه دسته جای می‌گیرند. دسته نخست آنها در گروه تحقیقات جامعه‌شناختی قرار دارند که «خطرپذیری»، «احساس ناامنی» و یا «ترس از جرم» را به عنوان یک متغیر وابسته در نظر می‌گیرند که تفاوت‌های موجود در بین افراد جامعه مورد بررسی بر مبنای این صفت‌ها را به دسته‌ای از متغیرهای جامعه‌شناختی دیگر ربط می‌دهند و سعی می‌کنند که نشان دهند با تغییر در وضعیت متغیرهای مستقل مورد نظر، تغییراتی در متغیر وابسته ایجاد خواهد شد. عمده این متغیرها عبارتند از «مورد احترام واقع نشدن زنان توسط مردان»، «تبعیض» (Jagori, 2010)، «عدم تبعیت از هنجارهای پذیرفته شده»، «قومیت»، «موقعیت خانوادگی» و «وضعیت اشتغال»، «ساختار (روند) احاطه‌کننده ساختارهای اجتماعی»، «هویت» و «عاملیت» (Moser, 2004)، «بی‌ثباتی»، «محرومیت» و «عدم اطمینان» (تجارب قبلی مورد خشونت قرارگرفتن» (Koskela & Pain, 2000)، «فقر و محرومیت» «اختلال در احساس تعلق و همبستگی اعضای اجتماع» (Buzan, 1983)، «انزوای آسیب‌پذیری اجتماعی»، «تسلط مردان و القای ترس» و «پنداشت از پلیس»، «میزان احساس تعلق خاطر به اجتماع»، «تنوع قومی و زبانی» و «پایگاه اجتماعی-اقتصادی» (Alikhah & Najibi Rabiee, 2006) و «سبک زندگی». ویژگی مشترک این متغیرها، ماهیت اجتماعی و فرهنگی آنهاست که شاکله اصلی تحلیل‌های جامعه‌شناختی در خصوص ریشه‌های ترس، ناامنی و همچنین خطرپذیری را تشکیل می‌دهند.

(Jagori, 2010; Loukaitou-Sideris, Liggett and Hiseki, 2002; De Jesus, Shelton and Emmons, 2010; Kagawa-Singer, Padilla and Ashing-Giwa, 2010).

دسته دوم از تحقیقات در زمره تحقیقات جرم‌شناختی قرار دارند. در این گونه تحقیقات، خشونت و آزار جنسی زنان معمولاً کانون توجه است و متغیرهای فردی از قبیل ویژگی‌های ژنتیکی، خصوصیات شخصیتی، صفات روان‌شناختی و... نقش متغیرهای مستقل را ایفا می‌کنند تا پراکندگی افراد اجتماعات مورد بررسی بر اساس خشونت و آزار جنسی را تبیین کنند. برخی از جسارت مرد به لحاظ فیزیولوژیکی سخن گفته‌اند که امکان دارد در قالب خشونت درآمده و فی‌نفسه در ارتکاب جرائمی همچون همسرکشی مؤثر باشد. روان‌شناسان و روان‌پزشکان در مطالعه

بزهکاری، ارتباط آن را با ترسحات داخلی بدن (به ویژه هورمون‌ها) فعالیت‌های استثنایی مغز، عوامل درونی و در مفهوم عام‌تر عوامل بیرونی مؤثر بر فرد مورد بررسی قرار داده‌اند (Buss et al., 1992).

دسته دیگر از تحقیقات بیشتر به عوامل محیطی به عنوان زمینه شکل‌گیری خطرپذیری زنان پرداخته‌اند. در این تحقیقات معمولاً شرایط فیزیکی و ویژگی‌های فضاهای کالبدی در شهرها باعث می‌گردند که فضاهای بدون دفاع و آسیب‌زا شکل گرفته و استفاده از این فضاها برای زنان استرس‌زا و ترس‌آور باشد و میزان امنیت آنها را کاهش دهد. این‌گونه تحقیقات بیشتر در زمره پژوهش‌های برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی هستند که ویژگی‌های فضاهای شهری را در میزان خطرپذیری افراد و به ویژه زنان مؤثر می‌دانند. تحقیقاتی که با این رویکرد انجام شده‌اند معمولاً بر متغیرهایی همچون «محل‌های انتظار و وسایل حمل‌ونقل عمومی شلوغ/ ایستگاه‌های اتوبوس»، «کمبود یا ضعف علائم و اطلاعات»، «نبود توالی‌های امن و پاکیزه برای زنان در فضاهای عمومی»، «کمبود روشنایی»، «فقدان شاخص‌های جنسیتی در برنامه‌ریزی‌های شهری» و «پیاده‌روهای نامناسب در مناطق فقیرنشین» (Jagori, 2010)، «مکان‌ها و فضاهای کم‌نور»، «مسیرها و کوچه‌های تاریک»، «ایستگاه‌های اتوبوس دورافتاده»، «دستشویی‌های عمومی نامناسب» (Moser, 2004)، «بوته‌ها و طراحی نادرست فضاهای سبز»، «ساختمان‌های با طراحی نامناسب» و به طور کلی «محیط مصنوع» (Koskela & Pain, 2000)، «طراحی ضعیف و نامناسب خیابان‌ها و خانه‌ها» (Pain, 2000)، «میزان تردد و استفاده از فضا» (Bermanian & Mahmoodinejad, 2009)، «ویژگی‌های فیزیکی محله (طراحی شهری)» (Alikhah & Najibi Rabiee, 2006)، «ساختمان‌های فرسوده»، «ابنیه مخروبه، متروکه و رها شده»، «نقاشی‌های دیواری نامناسب»، «زمین‌های خالی»، «وجود نقاط پنهان و اختفاء»، «کیفیت نامناسب تقاطع‌ها و پیاده‌روها» (Pitner, Mansoo and Brown, 2012)، «عدم رعایت سلسله مراتب فضایی»، «مراقبت پایین از ساختمان‌ها» و «نظارت پایین بر فضای محلات» (Brown, Perkins and Brown, 2004)؛ وجود نقاط اختفاء، کیفیت نامناسب راه‌ها و تقاطع‌ها و کیفیت نامناسب مسیرهای پیاده (Cozens, Savile and Hillier, 2005)؛ عدم اختلاط مناسب کاربری‌ها، فعالیت‌های نامتجانس، انواع آلودگی (Foster, Giles-Corti and Knuiiman, 2011) و موارد دیگر تأکید دارند. به طور کلی، رویکرد محیط فیزیکی و کالبدی به ترس از جرم و خطرپذیری زنان بر این انگاره استوار است که فضاهای شهری منبع اصلی ترس از جرم، ناامنی و خطرپذیری افراد و به خصوص زنان هستند.

۲.۳. رابطه ویژگی‌های محیط و احساس امنیت

اهمیت و تأثیر ویژگی‌های محیطی در احساس امنیت یا ناامنی و ترس به حدی است که امروزه یکی از مهم‌ترین رویکردها در کاهش جرائم، رویکرد موقعیتی-مکانی است. طبق رویکرد موقعیتی-مکانی پیشگیری یا کاهش جرم و ارتکاب دوباره جرم در مکانی که پیش از آن مجرم یک بار مرتکب جرم شده است، دشوار می‌شود. با نتیجه گرفتن از تجزیه و تحلیل مجموعه حوادثی که موجب

افزایش وقوع جرم خاصی می‌شود و نیز با بهره جستن از شناختی که از تغییرات محیطی و مدیریتی حاصل می‌شود، می‌توان از وقوع جرم جلوگیری کرد. بنابراین طرفداران این روش معتقدند که در روش موقعیتی با تمرکز بر از بین بردن فرصت جرم می‌توان از آن ممانعت به عمل آورد. این روش بر زمینه و مکان وقوع جرم بیش از کسانی که مرتکب جرم می‌شوند، تمرکز دارد و معیارهای موقعیتی- مکانی، خصوصیات کالبدی، اجتماعی و روان‌شناسانه محیط را مدنظر قرار می‌دهد (Clarke, 1997:4).

در ادامه به بررسی برخی از مهم‌ترین نظریات مرتبط با کاهش فرصت ارتکاب جرم از طریق طراحی محیطی پرداخته شده است.

۲.۳.۱. تئوری چشم‌ان خیابان (جین جیکوبز)^۱

ریشه تئوری پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را می‌توان در نظریات جین جیکوبز (در اوایل دهه ۱۹۶۰) جست‌وجو کرد. جیکوبز در کتاب "مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا"^۲ مخالفت و اعتراض خود را نسبت به سیاست‌های برنامه‌ریزی شهری در دوران پس از جنگ مطرح می‌نماید

(Drags and Crime Prevention Committee, 2013: 15). او بیان می‌کند که آرامش محیط شهری ابتدا به وسیله پلیس تأمین نمی‌شود، ولی با حضور پلیس ضروری می‌شود. آرامش محیط شهری در ابتدا به وسیله شبکه ناخودآگاه و پیچیده اجتماعی و استانداردهای موجود میان مردم حفظ می‌شود. او در مورد خود-قانونی^۳ بودن یک خیابان چنین توضیح می‌دهد: می‌بایست چشم‌هایی همواره خیابان را بنگرند، چشم‌هایی که متعلق به کسانی است که ما آنها را مالکان طبیعی خیابان می‌نامیم و پیاده‌روهای خیابان می‌بایست استفاده‌کننده نسبتاً پیوسته‌ای داشته باشند تا بر نگاه‌های مؤثر بر خیابان افزوده شود و به مردم ساکن در امتداد خیابان، نگرستن کافی به خیابان آموزش داده شود (Jacobs, 1965: 45).

۲.۳.۲. نظریه فضاهای قابل دفاع^۴ (اسکار نیومن^۵)

اسکار نیومن معتقد است فضاهایی که امکان دیدن و دیده شدن در آنها بیشتر باشد و در ضمن امکان کمی برای فرار داشته باشند، پتانسیل کمتری برای فعالیت مجرمان فراهم می‌آورند (Schweitzer et al., 1999: 11). او بر این باور است که فضای قابل دفاع ابزاری برای بازساخت محیط‌های مسکونی شهر است، به گونه‌ای که آنها دوباره می‌توانند به محیط‌های سرزنده و قابل زیست تبدیل شوند و کنترل این شهرها نه به دست پلیس، بلکه به دست اجتماع مشترک مردم انجام می‌شود. فضای قابل دفاع مورد نظر نیومن بر خودیاری و مشارکت مردم تکیه دارد و به همین دلیل در مقابل کاهش حمایت دولت آسیب‌پذیر نیست. نیومن سه اصل مرتبط با افزایش جرم در محله‌های مسکونی را چنین برمی‌شمرد:

- 1 Road Eyes
- 2 Jane Jacobs
- 3 The Death and Life of Great American Cities
- 4 Self-Regulating
- 5 Defensible Spaces
- 6 Oscar Newman

- بیگانگی: مردم همسایگان نشان رانمی‌شناسند.
- نبودن نظارت عمومی: مکان‌های وقوع جرم، ارتکاب جرم را به راحتی بدون آن‌که مجرم دیده شود، ممکن می‌کند و موجب می‌شود جنایات آسان‌تر صورت گیرند و مخفی بمانند.

- در دسترس بودن راه فرار: که امکان ناپدید شدن مجرم از صحنه جرم را به سرعت ممکن می‌کند.

نیومن معتقد است با استفاده از سازوکارهای نمادین شکل دادن عرصه‌های تعریف شده، می‌توان یک محیط را تحت کنترل ساکنانش قرار داد (Newman, 197:3).

۲.۳.۳. نظریه پیشگیری از جرائم با استفاده از طراحی محیطی^۶ (جفری^۷)

جفری (۱۹۷۱) از نخستین بنیان‌گذاران نظریه پیشگیری از جرائم با استفاده از طراحی محیطی است. این رویکرد که به رویکرد نیومن بسیار نزدیک است، محیط فیزیکی را به گونه‌ای سازمان‌دهی می‌نماید که وقوع جرم و ترس را به وسیله کاهش حمایت از رفتارهای مجرمانه کاهش دهد. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (CPTED) رویکردی برای حل مسئله است که بر شرایط محیطی و فرصت‌هایی که محیط برای ارتکاب به جرم و یا سایر رفتارهای نامطلوب فراهم می‌آورد، تمرکز دارد (Zahm, 2007: 5). نظریه CPTED بر این ایده استوار است که طراحی مناسب و استفاده مؤثر از محیط ساخته شده می‌تواند به کاهش ترس از وقوع جرم و بهبود کیفیت زندگی منجر شود. به عبارت دیگر، اگر مکانی به خوبی طراحی شود، احتمال این‌که آن مکان هدف جرائم قرار گیرد، کم می‌شود. اصول این نظریه شامل قلمروهای طبیعی، کنترل دسترسی، نظارت طبیعی، حمایت از فعالیت‌های اجتماعی، تعمیر و نگهداری می‌باشد (Bemanian & Mahmoodinejad, 2009).

۲.۳.۴. تکنیک چیدمان فضا^۸ (بیل هیلیر^۹)

رویکرد چیدمان فضا، یک رویکرد نظری و تحلیلی است که از روش‌های گرافیکی و ریاضی برای نشان دادن رابطه بین مفاهیم شکل‌یافته و فضای شهری استفاده می‌کند. یکی از اهداف اساسی آن دستیابی به پیچیدگی بی‌اندازه فضای شهر از طریق است که فضا بتواند خودش را به عنوان یک متغیر ارزیابی کند. برخی از افراد این مدل را برای تفسیر و پیش‌بینی الگوهای جرم در قرارگاه‌های شهری به کار برده‌اند (Schneider & Kitchen, 2007: 38). هیلیر طراحی مجموعه‌های بسته‌ای را که مانع مسیر حرکت طبیعی مردم می‌شود و به حذف غریبه‌ها (چه کسانی که مزاحم نیستند و چه آنها که به غارت‌گری می‌پردازند) می‌انجامد، مورد انتقاد قرار می‌دهد. او معتقد است حضور مردم چه غریبه و چه آشنا، احساس ایمنی در فضای عمومی را ارتقا می‌دهد و وسیله‌ای است که به کمک آن می‌توان فضا را به صورت طبیعی مورد نظارت قرار داد. بنابراین او به دنبال خصوصیات شکلی فضا است که حضور

7 Crime Prevention through Environmental Design
8 Jeffrey
9 Space Syntax
10 Hillier

مردم و به تبع آن احساس امنیت را افزایش می‌دهد (Hillier, 1996:47-60).

۲.۳.۵. تئوری پنجره‌های شکسته (ویلسون و کلینگ)^۲

تئوری پنجره‌های شکسته به مقوله پیشگیری از جرم با تمرکز روی آگاهی ساکنان از رفتارهای مشکوک، حفاظت از محیط و پیامدهای آن می‌پردازد. ویلسون و کلینگ سال‌های طولانی روی موضوع پنجره‌های شکسته کار کرده‌اند تا محیط را به عنوان شاخص قطعی ایجاد پیوستگی اجتماعی و کنترل غیررسمی نشان دهند. آنها به این بحث می‌پردازند که اگر در ساختمانی پنجره‌ای شکسته و بدون تعمیر رها شده باشد، بقیه پنجره‌ها نیز به زودی شکسته خواهند شد. این امر هم در محله‌های خوب و هم در محله‌های مشکل‌دار وجود دارد. یک پنجره شکسته نشان از آن دارد که هیچ کسی اهمیت نمی‌دهد و شکستن بقیه پنجره‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر، جرم‌های خیابانی جدی در محل‌هایی رشد می‌کنند که رفتارهای ناهنجار هیچ بازخوردی ندارند. اگر پلیس نقش قدیمی‌اش به عنوان نگهبان علیه بزه‌ها را از دست بدهد، جامعه نیز شکوفا می‌شود. ولی به محض این‌که پلیس نقشش را در نگهداری نظم رها کند- زمانی که خراب‌کاری‌ها و نقاشی‌های خیابانی گزارش نشوند، ولگردها و اوباش کنترل نشوند و پنجره‌های شکسته تعمیر نشوند- کنترل‌های اجتماعی نیز از هم می‌پاشد و جرائم جدی فرصت این را می‌یابند که رشد کنند (Alford, 2012: 1257).

۲.۳.۶. نوشهرگرایی^۳

مقابله شهرگرایی نوین با جرم بر دو مورد متمرکز شده است. نخستین و مهم‌ترین مورد، تمرکز بر نفوذپذیری لایه‌های جامعه در یکدیگر (مشابه تئوری چیدمان فضا) و دومی تمرکز بر کاربری‌های مختلط است. البته شهرگرایی نوین مدعی است طرح‌هایی که در آن خودروها از اهمیت کمتری برخوردارند و به محوطه پشت خانه‌ها منتقل شده‌اند، موجب می‌شوند ساکنان و غریبه‌ها با یکدیگر بدون مزاحمت این خودروها مراد داشته باشند. این امر نه تنها موجب افزایش صمیمیت، به خصوص میان همسایه‌ها می‌شود، بلکه باعث افزایش واکنش افراد نسبت به اعمال مجرمانه درباره یکدیگر خواهد شد (Schneider & Kitchen, 2007:46).

۳. روش تحقیق

نوع کاوش انجام شده در این پژوهش به لحاظ کارکرد، بنیادی، به لحاظ هدف، اکتشافی و بر مبنای داده‌های اولیه و ترکیبی از اطلاعات کمی و کیفی است. در گام نخست، برای ایجاد حساسیت نظری و فراهم آوردن پشتوانه نظری لازم، ادبیات موضوع و نظریات مرتبط با موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفته و تلاش شده است تا بر مبنای مطالعات نظری صورت‌گرفته، چهارچوب مفهومی پژوهش متناسب با شرایط شهرهای ایران تدوین شود. هدف از این امر، دستیابی به چهارچوبی از عوامل و مؤلفه‌های

محیطی تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری است تا بتوان از طریق مداخله در این ویژگی‌ها، زمینه حضور ایمن، فعال و به دور از ترس، اضطراب و استرس‌های محیطی را برای بانوان فراهم آورد که این امر خود باعث افزایش حضورپذیری و به تبع آن پویایی و سرزندگی فضاهای شهری می‌گردد. در حقیقت، ویژگی‌های محیطی تأثیرگذار بر درک بانوان از ایمنی و امنیت در فضاهای شهری، می‌تواند به عنوان بُعد ماهوی در سیاست‌گذاری‌ها و طرح‌ریزی‌های برنامه‌ریزان و طراحان شهری مورد استفاده قرار گیرد. پس از تدوین چهارچوب یاد شده، برای سنجش تعمیم‌پذیری این چهارچوب از ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی در محدوده محلات مخصوص و سلامت (به عنوان محدوده مطالعاتی پژوهش) استفاده شده است.

در این راستا، به منظور شناسایی مؤلفه‌های ایجادکننده احساس ترس، ناامنی و استرس در بانوان محدوده مطالعاتی از دید خود آنها، پنج جلسه بحث متمرکز گروهی^۴ با حضور بانوان محلات مخصوص و سلامت تشکیل شده است. در این جلسات از بانوان خواسته شده که در خصوص عواملی که باعث ایجاد ترس، اضطراب و استرس در آنها می‌شود و مهم‌ترین نقاط امن و ناامن محله و دلایل امن یا ناامن بودن آنها توضیح دهند و در نهایت پیشنهادهای آنها به منظور ایمن ساختن محله ثبت شده است. هر جلسه ۱۰ تا ۱۲ نفر شرکت‌کننده داشته و یک ساعت و نیم تا دو ساعت به طول انجامیده است.

پس از برگزاری جلسات بحث متمرکز گروهی، تعداد ۳۰ مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته با مسئولان محدوده مطالعاتی (مسئولان و کارشناسان شهرداری منطقه ۱۱، شورایی‌ها، سرای محلات و...) انجام شده است. مصاحبه‌شوندگان به صورت تصادفی ساده انتخاب شده‌اند و از آنها خواسته شده که در خصوص مهم‌ترین مشکلات این محلات در تأمین امنیت بانوان و مهم‌ترین عوامل محیطی زمینه‌ساز احساس ترس و ناامنی در فضاهای عمومی این محلات توضیحاتی را ارائه دهند. هر مصاحبه تقریباً ۳۰ دقیقه به طول انجامیده است. اظهارات مصاحبه‌شوندگان در فرم مصاحبه ثبت و صدایشان نیز ضبط شده است. پس از پایان بخش کیفی مطالعات، به منظور فراهم ساختن امکان کمی و قابل سنجش کردن نتایج و نیز امکان نظرسنجی از تعداد بیشتری از بانوان و جلوگیری از تعمیم شتاب‌زده و غیراصولی نتایج، براساس یافته‌های حاصل از مشاهده میدانی، مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته انجام شده و جلسات بحث متمرکز گروهی چهارچوب پرسشنامه‌ای برای سنجش میزان تجربه ترس و ناامنی در بانوان محدوده طراحی شده است. برای پاسخ به سؤال‌ها از طیف لیکرت^۵ (پنج گزینه‌ای) استفاده شده است. در ابتدا، تعداد ۵۰ پرسشنامه اولیه در محدوده توزیع شده و با قرار دادن سؤال‌های باز در پرسشنامه اولیه تلاش شده از تحمیل نظرات به پاسخ‌دهندگان جلوگیری شود. پس از سنجش نتایج پرسشنامه‌های اولیه و توجه به جواب سؤال‌های باز، گزاره‌های پرسشنامه مورد تدقیق قرار گرفته و پرسشنامه نهایی

4 Focus group
5 Likert

1 Broken Windows
2 Wilson and Kelling
3 New Urbanism

تدوین شده است. برای اثبات پایایی^۱ پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ^۲ و برای اثبات روایی^۳ بخش‌های مختلف پرسشنامه از روش تحلیل عاملی^۴ استفاده شده است. همچنین حجم جامعه نمونه براساس فرمول کوکران^۵، ۲۰۰ تعیین شده است.

۳.۱. ارائه چهارچوب مفهومی^۶ پژوهش

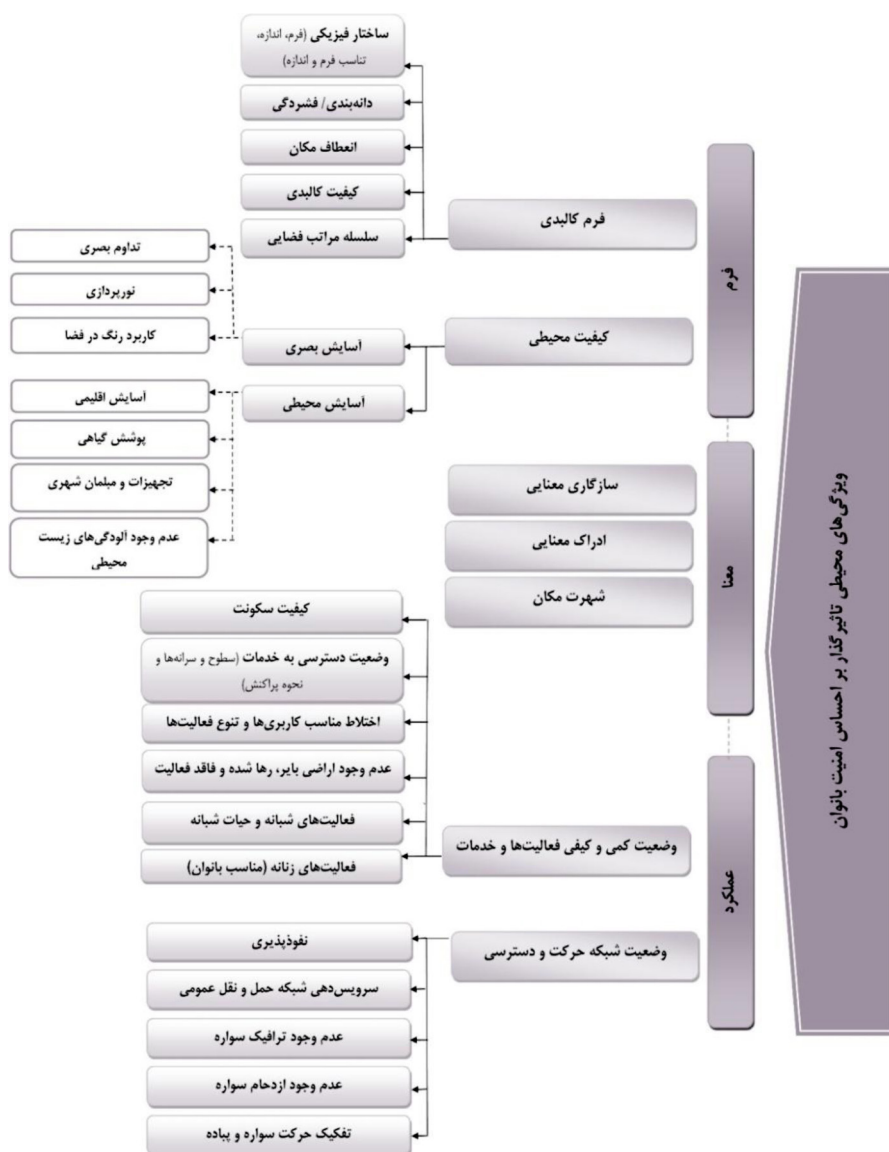
علم برای تشریح واقعیت‌ها با تشکیل مفهوم‌ها آغاز می‌شود. مفهوم^۷ را می‌توان بیان مجرد رویدادهای مشاهده‌پذیر دانست که تعداد زیادی از رویدادها را زیر یک عنوان کلی درمی‌آورد (Hooman, 1994). به عبارت دیگر، مفهوم، بیان انتزاعی رویدادهای قابل مشاهده است که بیانگر شباهت‌ها یا جنبه‌های مشترک میان آنهاست (Bazargan & Sarmad, 1997).

در این پژوهش، مقوله ویژگی‌های مکانی تأثیرگذار بر احساس

امنیت در قالب سه بعد فرم، عملکرد و معنا مفهوم‌سازی شده است. برای هر یک از این ابعاد عوامل و شاخص‌هایی در نظر گرفته شده که امکان ارزیابی و اندازه‌گیری ابعاد را فراهم می‌کنند. نمودار شماره ۱ چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد.

۴. معرفی محدوده مطالعاتی

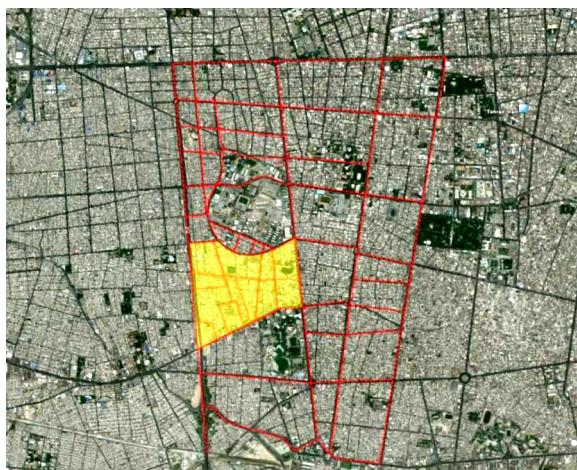
محدوده مورد مطالعه پژوهش حاضر در ناحیه ۳ منطقه ۱۱ شهرداری تهران، حد فاصل خیابان‌های کمیل و کمالی در شمال، خیابان قزوین در جنوب، بزرگراه نواب در جهت غرب و خیابان کارگر در جهت شرق قرار گرفته است (تصویر شماره ۱). محله سلامت (دخانیات) قسمت غربی محدوده و محله مخصوص قسمت شرقی آن را تشکیل می‌دهد. خیابان خرمشهر مرز میان دو محله است.



نمودار ۱: چهارچوب مفهومی پژوهش

5 Cochran
6 Conceptual Framework
7 Concept

1 Reliability
2 Crobnbach's Alpha
3 Validity
4 Factor analysis



تصویر ۱: موقعیت محلات مخصوص و سلامت در منطقه ۱۱ شهر تهران

محلات مخصوص و سلامت کدام‌اند؟» به ویژگی‌هایی از محدوده اشاره کرده‌اند. ویژگی‌های یاد شده در جداول شماره ۱ تا ۳ براساس ابعاد و عوامل معرفی شده در چهارچوب مفهومی پژوهش دسته‌بندی شده‌اند. درحقیقت در این جداول، اغتشاشات محیطی ایجادکننده یا زمینه‌ساز احساس ترس و ناامنی در بانوان در وضعیت موجود محلات مخصوص و سلامت در ارتباط با اجزای تشکیل دهنده چهارچوب مفهومی پژوهش فهرست شده‌اند.

همان‌طور که پیش از این اشاره شد، به منظور جلوگیری از تعمیم غیراصولی و شتاب‌زده نتایج و فراهم کردن امکان نظرسنجی از تعداد بیشتری از بانوان و بررسی کمی نتایج، پرسشنامه‌ای تهیه شده است. پرسشنامه تهیه شده شامل چهار قسمت اصلی است. بخش نخست مربوط به ویژگی‌های فردی بانوان پرسش‌شونده است و سه بخش باقی‌مانده به ابعاد سه‌گانه مطرح شده در چهارچوب مفهومی پژوهش (فرم، عملکرد و معنا) اختصاص یافته است. مصادیق ارائه شده در جداول شماره ۲ تا ۴، گویه‌های سنجش پرسشنامه یاد شده را تشکیل داده‌اند. برای سنجش میزان اثرگذاری هر یک از گویه‌ها از طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت (خیلی زیاد= امتیاز ۵، زیاد= امتیاز ۴، متوسط: امتیاز ۳، کم= امتیاز ۲ و خیلی کم= امتیاز ۱) استفاده شده است. درحقیقت از طریق این پرسشنامه تلاش شده میزان تأثیر هر یک از اغتشاشات محیطی (بیان شده در جلسات بحث متمرکز گروهی و مصاحبه‌های عمیق نیمه ساختاریافته و ارائه شده در جداول شماره ۲ تا ۴) در ایجاد احساس ترس و ناامنی در بانوان مشخص شود و از این طریق تأثیرگذاری مؤلفه‌های ارائه شده در چهارچوب مفهومی پژوهش بر احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری محدوده مطالعاتی مورد آزمون و سنجش قرار گیرد.

۵.۲. نتایج بخش کمی پژوهش

در این پژوهش برای تعیین رابطه میان اضطراب و ویژگی‌های محیطی از روش رگرسیون با ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همان‌طور که در جدول شماره ۴ مشاهده می‌شود، رابطه میان ویژگی‌های محیطی و اضطراب مثبت و معنادار است. به عبارت دیگر همبستگی مستقیم و متوسطی میان ویژگی‌های محیطی و اضطراب وجود دارد.

محدوده مطالعاتی از کیفیت کالبدی و فضایی نازلی برخوردار است. کیفیت نامناسب کالبدی ابنیه، نبودن مبلمان شهری مناسب، نورپردازی ضعیف کوچه‌ها و معابر، وجود اماکن و فضاهای بدنام، وجود فضاهای غیرقابل دفاع و نیز کمبود در زمینه خدمات محلی از ویژگی‌های محدوده مطالعاتی هستند که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر حس امنیت ساکنان به ویژه بانوان تأثیرگذارند (Bagh-e-Andisheh Engineering Consultants, 2014:28-52).

۵. بحث و یافته‌ها

۵.۱. نتایج بخش کیفی پژوهش

همان‌گونه که در قسمت روش‌شناسی توضیح داده شد، در محدوده تعداد پنج جلسه بحث متمرکز گروهی با حضور بانوان محلی تشکیل شد. به گفته بانوان شرکت‌کننده در جلسات بحث متمرکز گروهی، محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر، با مشکلات فراوانی در زمینه تأمین امنیت بانوان روبه‌روست. براساس بیانات بانوان در جلسات بحث متمرکز گروهی برگزار شده، مهم‌ترین عوامل ایجاد احساس ناامنی و ترس در آنها به شرح زیر است:

- رواج اعتیاد در محدوده و خرید و فروش مواد مخدر به صورت علنی، به ویژه در پارک رودکی.
- وجود خانه‌های تیمی.
- کیف‌فای و دزدی.
- زد و خورد و چاقوکشی.
- پرسه‌زنی مردان و پسران جوان سر کوچه‌ها و طول مسیرها.
- آدم‌ربایی و به طور مشخص ربوده شدن زنان.
- نبودن تفکیک مناسب حرکت سواره و پیاده.
- وجود کوچه‌های بن‌بست خلوت که نظارتی بر آنها وجود ندارد.
- حضور جانوران موذی.
- متلک‌پرانی و چشم‌چرانی.
- تجمع مراکز صنعتی، تعمیرگاه‌های اتومبیل و قهوه‌خانه‌ها در بخش‌هایی از محدوده.
- آزارهای فیزیکی توسط مردان و ...

بانوان شرکت‌کننده در جلسات بحث متمرکز گروهی و همچنین کارشناسان و مسئولان مصاحبه‌شونده در پاسخ به این سؤال که «مهم‌ترین ویژگی‌های محیطی زمینه‌ساز ترس و اضطراب در

جدول ۱: اغتشاشات فرمال ایجادکننده ترس و اضطراب در بانوان در ارتباط با چهارچوب مفهومی پژوهش

عامل	شاخص	موارد بیان شده در جلسات بحث متمرکز و مصاحبه عمیق (مهم ترین ویژگی های محیطی زمینه ساز ترس و اضطراب)
فرم کالبدی	ساختار فیزیکی (شکل)، اندازه، تناسب فرم و اندازه (۰۰۰ و ...)	<ul style="list-style-type: none"> وجود گسستگی در بدنه ها وجود شکاف یا فضاهای خالی (کمتر قابل رؤیت) در فضاها و معابر اختلاف سطح افقی در کف وجود فضاهای گم و محل های اختفا در محدوده که نظارتی بر آن وجود ندارد (وجود زوایای پنهان و مکان های گیرافتادن افراد) متناسب نبودن شکل و اندازه فضا در بخش هایی از محدوده
	انعطاف مکان	<ul style="list-style-type: none"> منعطف نبودن کالبد
	کیفیت کالبدی	<ul style="list-style-type: none"> وجود ساختمان های مخروب و متروک در محدوده به عنوان محل تجمع و اختفای بزهکاران فرسودگی کالبدی بافت ناپایداری بخش قابل توجهی از ابنیه محدوده
	دانه بندی / فشردگی	<ul style="list-style-type: none"> ریزدانگی بافت در بیشتر قسمت های محله و فشردگی و ازدحام ناشی از آن
کیفیت محیطی	سلسله مراتب فضایی	<ul style="list-style-type: none"> تمتایز نبودن قلمرو فضاهای نیمه عمومی و خصوصی از فضاهای عمومی
	آسایش بصری	<ul style="list-style-type: none"> وجود ساختمان هایی با پنجره های شکسته وجود ساختمان هایی با نمای نامناسب، کثیف و مغشوش وجود تابلوها و علائم کثیف و شکسته نبود هماهنگی و ریتم در نماها و عناصر کالبدی کف سازی تخریب شده دیوارنویسی ناهنجار اغتشاشات بصری حاصل از الحاقات بی نظم و نامناسب نمای ابنیه خط آسمان ناهماهنگ و مغشوش و نداشتن تداوم بصری کاربرد نامناسب رنگ در محدوده نورپردازی نامناسب معابر (نداشتن روشنایی کافی و نورپردازی مناسب برخی کوچه ها و معابر) وجود عناصر مانع دید (مثل نرده، درخت و بوته ها و...) به ویژه در پارک رودکی
	آسایش محیطی	<ul style="list-style-type: none"> نبود سرپناه مناسب در خیابان هنگام بارش باران و برف آب گرفتگی معابر و کوچه ها در نتیجه بارش باران و برف نداشتن سایه اندازی مناسب به دلیل تأمین نبودن تناسبات و محصوریت های مناسب کمبود فضای سبز و گونه های گیاهی مناسب در محدوده انسداد دید توسط گیاهان در بخش هایی از محدوده کمبود یا کیفیت نامطلوب مبلمان شهری در محدوده خوانا نبودن بخش هایی از محدوده و وجود نقاط و مکان های نامعلوم نبودن علائم هشداردهنده یا تابلوها و علائم اطلاع رسانی مناسب در محدوده آلودگی صوتی در محدوده، به ویژه در ساعات نزدیک ظهر تبدیل محل های انباشت زباله در محدوده به مکان هایی برای اختفای معتادان و کارتن خواب ها حضور جانوران موذی در محدوده کمبود سطل های زباله و آلودگی و انسداد جوی های آب توسط زباله

۸۴ شماره بیست و یکم زمستان ۱۳۹۵ فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات شهری

جدول ۲: اغتشاشات عملکردی ایجادکننده ترس و اضطراب در بانوان در ارتباط با چهارچوب مفهومی پژوهش

عامل	شاخص	موارد بیان شده در جلسات بحث متمرکز و مصاحبه عمیق (مهم ترین ویژگی های محیطی زمینه ساز ترس و اضطراب)
وضعیت کمی و کیفی فعالیت ها و خدمات	کیفیت سکونت	<ul style="list-style-type: none"> کیفیت نازل سکونت به دلیل فرسودگی و ناپایداری بافت مسکونی در بخش قابل توجهی از محدوده
	وضعیت دسترسی به خدمات	<ul style="list-style-type: none"> کمبود فضای سبز و فضاهای گذران اوقات فراغت برای بانوان کمبود خدمات مقیاس محله ای نبودن فعالیت ها و فضاهای مناسب برای گذران اوقات فراغت بانوان نبودن فعالیت های نظارتی چون مراکز انتظامی و پلیس نبودن مراکز امداد و نجات در ترکیب کاربری ها و فعالیت ها پراکنش نامناسب فعالیت ها و خدمات با توجه به مقیاس عملکردی
	اختلاط و تنوع فعالیت ها	<ul style="list-style-type: none"> توفیق نداشتن فعالیت های مختلط محدوده به دلیل اختلاط نامناسب و تداخل آنها سازگار نبودن فعالیت های همجوار در بخش هایی از محدوده
	نبودن اراضی بایر، رها شده و بدون فعالیت	<ul style="list-style-type: none"> وجود اراضی بایر، مخروب و رها شده در محدوده به عنوان محل اختفای معتادان و بزهکاران ترس از جرم در بانوان به دلیل استقرار فعالیت هایی چون پارکینگ ها و انبارهای بسیار بزرگ غیرفعال و ساختمان های نیمه کاره و رها شده
	فعالیت ها و حیات شبانه	<ul style="list-style-type: none"> نبودن فعالیت های شبانه گسترده و متنوع در محدوده نبودن سرزندگی و پویایی محدوده در شب
	فعالیت های زنانه (مناسب بانوان)	<ul style="list-style-type: none"> کمبود فعالیت ها و محل های تجمع بانوان تمرکز فعالیت های مردانه در بخش هایی از محدوده به عنوان مانعی برای حضور ایمن و فعالانه بانوان
	نفوذپذیری	<ul style="list-style-type: none"> وجود بلوک های ساختمانی نفوذناپذیر به دلیل عرض کم بسیاری از کوچه ها و خیابان های فرعی نبودن حمل و نقل عمومی شبانه (مانند دایر بودن خطوط اتوبوس رانی در طول شب) اقدام به جابه جایی مسافر توسط وسایل نقلیه غیرمترعارف و غیررسمی (اتومبیل های شخصی، موتورسیکلت ها و...) نداشتن امکان دسترسی راحت بانوان به خدمات حمل و نقل عمومی (نبودن امنیت در ایستگاه های انتظار، ازدحام در ایستگاه های انتظار، خطر کیف قاپی و...)
وضعیت شبکه حرکت و دسترسی	نیودن ازدحام پیاده	<ul style="list-style-type: none"> تراکم و ازدحام جمعیت پیاده در بخش هایی از محدوده در ساعات خاصی از شبانه روز
	نیودن ترافیک سواره	<ul style="list-style-type: none"> وجود ترافیک به خصوص در معابر شریانی درجه ۱ محدوده نبودن تفکیک مناسب مسیر حرکت پیاده و سواره
	تفکیک حرکت سواره و پیاده	<ul style="list-style-type: none"> نبودن پیاده روهای مناسب (کیفیت بسیار نازل کف سازی، قطع شدن پیاده روهها و نبودن امکان عبور از بخش هایی از پیاده روهها به دلیل تجمع زباله) نبودن تفکیک قلمرو عابران پیاده از مسیرهای ترافیک (نبودن کنترل نفوذپذیری وسایل نقلیه) نفوذپذیری موتورسیکلت به حریم عابران پیاده

در فضاهای شهری شناسایی ویژگی های محیطی تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان

جدول ۳: اغتشاشات معنایی ایجادکننده ترس و اضطراب در بانوان در ارتباط با چهارچوب مفهومی پژوهش

عامل	شاخص	موارد بیان شده در جلسات بحث متمرکز و مصاحبه عمیق (مهم ترین ویژگی های محیطی زمینه ساز ترس و اضطراب)
۱	سازگاری معنایی	سازگار نبودن کالبد با کارکرد به ویژه درخصوص فعالیت های تجاری و خدماتی (خیابان خرمشهر شمالی، خیابان خرمشهر جنوبی، خیابان محبوب مجاز شرقی)
	ادراک معنایی	ساخت وسازهای بدون هویت و بی توجه به معماری ایرانی-اسلامی
	شهرت مکان	بدنامی بخش هایی از محدوده در اذهان عمومی به خصوص به دلیل نزدیکی به شهر نو سابق اشتهار محدود به جرم خیزی

جدول ۴: نتایج ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اغتشاشات محیطی و ترس و اضطراب در بانوان (N=200)

متغیرها	ترس و اضطراب
	R
ویژگی های محیطی (اغتشاشات محیطی)	۰/۳۴۲

گروه نمونه در متغیر تجربه ترس و ناامنی در فضاهای شهری محدود به میانگین نظری تفاوت معنادار وجود دارد. با توجه به مقادیر این دو میانگین می توان قضاوت کرد که زنان در محدوده مطالعاتی بیشتر از حد متوسط در معرض تجربه ترس و ناامنی فضاهای شهری قرار دارند (جدول شماره ۵).

برای پاسخ به این سؤال که بانوان محدوده مطالعاتی تا چه حد در معرض تجربه ترس و ناامنی در فضاهای عمومی محدوده مطالعاتی قرار دارند، از آزمون t تک گروهی استفاده شده است. با توجه به مقدار t محاسبه شده (۱۲/۷۹۶) با درجه آزادی ۱۹۰ با حداقل ۹۹ درصد اطمینان می توان نتیجه گرفت که بین میانگین

جدول ۵: خلاصه نتایج آزمون t تک گروهی (بانوان در محدوده مطالعاتی تا چه اندازه در معرض تجربه ترس و ناامنی در فضاهای شهری قرار دارند؟) (N=200)

متغیر	میانگین نمونه	میانگین نظری	انحراف معیار	درجه آزادی	T	P
تجربه ترس و ناامنی در فضاهای شهری	۱۷/۲۸	۱۲	۵/۷۰	۱۹۰	۱۲/۷۹۶	۰/۰۰۱

نازل کالبدی بیشترین تأثیر را در احساس ناامنی بانوان در محلات مخصوص و سلامت داشته است. سلسله مراتب فضایی نیز در میان مؤلفه های عامل فرم کالبدی، سومین جایگاه را به خود اختصاص داده است و در نهایت منعطف نبودن مکان به عنوان یکی دیگر از مؤلفه های تأثیرگذار بر احساس ناامنی بانوان محدوده شناخته شده است. به گونه ای که ۱۵ درصد بانوان میزان این تأثیرگذاری را خیلی زیاد یا زیاد، ۳۳،۵ درصد متوسط و ۵۱،۵ درصد نیز کم یا خیلی کم دانسته اند.

همان گونه که در جدول شماره ۶ مشاهده می شود، در بعد فرم عوامل فرم کالبدی و کیفیت محیطی به ترتیب رتبه ۱ و ۲ را به لحاظ میزان تأثیرگذاری بر احساس و ادراک امنیت توسط بانوان در فضاهای شهری به خود اختصاص داده اند.

در بعد فرم کالبدی، اغتشاشات موجود در زمینه ساختار فیزیکی (شکل، اندازه، تناسبات شکل و اندازه) بیشترین میزان ترس و اضطراب را در بانوان پسرش شونده ایجاد کرده اند؛ بعد از فرم کالبدی، اغتشاشات موجود در زمینه کیفیت کالبدی یا کیفیت

جدول ۶: نتایج آماری مربوط به اغتشاشات فرمال در محدوده مطالعاتی

عامل	شاخص	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مجموع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱	ساختار فیزیکی	۳۵	۱۷،۵	۶۸	۳۴	۴۹	۲۴،۵	۳۳	۱۶،۵	۱۵	۷،۵	۲۰۰
	دانه بندی / فشردگی	۲۰	۱۰	۲۵	۱۲،۵	۵۰	۲۵	۸۵	۴۲،۵	۲۰	۱۰	۲۰۰
	انعطاف مکان	۱۵	۷،۵	۱۵	۷،۵	۶۷	۳۳،۵	۴۵	۲۲،۵	۵۸	۲۹	۲۰۰
	کیفیت کالبدی	۴۵	۲۲،۵	۵۳	۲۶،۵	۳۰	۱۵	۳۲	۱۶	۴۰	۲۰	۲۰۰
	وجود سلسله مراتب فضایی	۳۰	۱۵	۳۵	۱۷،۵	۵۰	۲۵	۵۵	۲۷،۵	۳۰	۱۵	۲۰۰
۲	آسایش بصری	۴۱	۲۰،۵	۴۳	۲۱،۵	۵۵	۲۷،۵	۳۹	۱۹،۵	۲۲	۱۱	۲۰۰
	آسایش محیطی	۱۴	۷	۲۸	۱۴	۶۵	۳۲،۵	۵۸	۲۹	۳۵	۱۷،۵	۲۰۰

خدمات «وجود اراضی بایر و رها شده به سبب فراهم آوردن محل اختفای مجرمان و ارتکاب جرم (امتیاز کل: ۶۸۰) در رتبه نخست قرار گرفته است. به گونه ای که ۱۵ درصد پاسخ دهندگان این مؤلفه را به میزان خیلی زیاد، ۲۳،۵ درصد زیاد، ۳۵ درصد متوسط و ۱۷،۵ درصد نیز خیلی کم یا کم در القای احساس ترس و ناامنی به بانوان مؤثر دانسته اند.

درخصوص عامل کیفیت محیطی نیز، مؤلفه های سازنده آسایش بصری (با امتیاز کل ۶۴۲) رتبه نخست و مؤلفه های سازنده آسایش محیطی (با امتیاز کل ۵۲۸) جایگاه دوم را در زمینه تأثیرگذاری بر امنیت بانوان به خود اختصاص داده اند.

همان گونه که در جدول شماره ۷ قابل مشاهده است، در بعد عملکرد، در خصوص عامل «وضعیت کمی و کیفی فعالیت ها و

پس از آن کیفیت سکونت دومین مؤلفه مهم در درک بانوان از امنیت و ناامنی است. طبق اظهارات بانوان محدوده کیفیت نازل بافت مسکونی در این محلات از عوامل ایجادکننده احساس ترس و ناامنی در آنان است (امتیاز کل: ۶۴۹). حضور فعالیت‌های زنانه و مناسب بانوان در محدوده، سومین ویژگی مهم در تعریف عامل «وضعیت کمی و کیفی فعالیت‌ها و خدمات» است (امتیاز کل: ۶۴۷). فعالیت و زندگی شبانه به عنوان یکی از مؤلفه‌های سازنده مفهوم بعد عملکرد در درجه چهارم اهمیت قرار گرفته است (امتیاز کل: ۶۲۷). تنوع و اختلاط مناسب کاربری‌ها (امتیاز کل: ۵۹۹) نیز از دیگر ویژگی‌های مؤثر بر درک امنیت توسط بانوان است. نداشتن امکان دسترسی آسان و ایمن به خدمات از دیگر ویژگی‌هایی است که به زعم حدود ۳۵٫۵ درصد از بانوان به میزان خیلی زیاد یا زیاد، از نظر ۲۸ درصد به میزان متوسط و در نهایت از نظر ۳۶٫۵ درصد به میزان کم یا خیلی کم محل احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری است. درخصوص دومین عامل تعریف‌کننده بعد عملکرد یعنی «کارایی شبکه حرکت و دسترسی» به زعم بانوان پرسش‌شونده مؤلفه‌های «تفکیک حرکت سواره و پیاده (امتیاز کل: ۶۶۵)، نبودن ازدحام سواره (امتیاز کل: ۶۱۵)، نفوذپذیری (امتیاز کل: ۵۹۹)، نبودن ترافیک سواره (امتیاز کل: ۵۴۹) و سرویس‌دهی مناسب شبکه حمل و نقل عمومی (امتیاز کل: ۵۴۱) به ترتیب بیشترین تأثیرگذاری را بر درک امنیت در بانوان داشته و اغتشاش در آنها ناامنی و ترس در بانوان را به همراه دارد. جدول شماره ۷ نتایج آماری مربوط به اغتشاشات عملکردی در محدوده را نشان می‌دهد.

درخصوص عوامل سازنده مفهوم بعد معنا، شهرت مکان (امتیاز کل: ۷۴۲) رتبه نخست را به خود اختصاص داده است. پس از

شهرت مکان، ادراک معنایی (امتیاز کل: ۶۳۳) در درجه دوم اهمیت قرار گرفته است. در نهایت سازگاری معنایی به معنای سازگاری فرم و ظاهر فضا با کارکرد و معنای آن، آخرین عامل سازنده مفهوم بعد معناست و طبق نظر بانوان پرسش‌شونده ناسازگاری معنایی مانع احساس امنیت و باعث القای احساس ناامنی است. درخصوص چگونگی تأثیرگذاری این عامل، ۱۰ درصد به میزان خیلی زیاد، ۲۰ درصد به میزان زیاد، ۵۰ درصد به میزان متوسط و ۲۰ درصد به میزان کم یا خیلی کم اشاره کرده‌اند. جدول شماره ۸ نتایج آماری مربوط به اغتشاشات معنایی در محدوده را نشان می‌دهد.

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف فراهم آوردن زمینه حضور ایمن و فعالانه بانوان در فضاهای شهری به شناسایی ویژگی‌های محیطی تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری پرداخته است. برای این منظور پس از بررسی و مطالعه ادبیات موضوع و نظریات مرتبط با موضوع نوشتار حاضر و ایجاد حساسیت نظری ناشی از مطالعات، چهارچوب مفهومی پژوهش در قالب سه بعد اصلی (فرم، عملکرد و معنا) تدوین شده است. به منظور مفهوم‌سازی هر یک از این ابعاد، عوامل و شاخص‌هایی در نظر گرفته شده است. پس از آن با به‌کارگیری مجموعه‌ای از روش‌های کمی و کیفی، چهارچوب یاد شده در محدوده محلات مخصوص و سلامت به آزمون گذارده شده است. نتایج حاصل از مصاحبه‌های عمیق، جلسات بحث متمرکز گروهی برگزار شده و نیز نتایج آماری حاصل از پرسشنامه‌ها نشان می‌دهند که اغتشاشات موجود در زمینه مؤلفه‌های چهارچوب مفهومی این پژوهش، می‌توانند

جدول ۷: نتایج آماری مربوط به اغتشاشات عملکردی در محدوده مطالعاتی

عامل	شاخص	خیلی زیاد			زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مجموع
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	
وضعیت کمی و کیفی فعالیت‌ها و خدمات	کیفیت سکونت	۵۲	۲۶	۳۸	۱۹	۴۷	۲۳٫۵	۳۳	۱۶٫۵	۳۰	۱۵	۲۰۰	۱۰۰
	نبودن اراضی بایر، رها شده	۳۰	۱۵	۶۵	۲۳٫۵	۷۰	۳۵	۲۵	۱۲٫۵	۱۰	۵	۲۰۰	۱۰۰
	وضعیت دسترسی به خدمات	۲۶	۱۳	۴۵	۲۲٫۵	۵۵	۲۸	۴۳	۲۱٫۵	۳۰	۱۵	۲۰۰	۱۰۰
	اختلاط و تنوع فعالیت‌ها	۲۲	۱۱	۳۷	۱۸٫۵	۹۰	۴۵	۲۰	۱۰	۳۱	۱۵٫۶	۲۰۰	۱۰۰
	فعالیت‌های شبانه و حیات شبانه	۳۶	۱۸	۵۵	۲۷٫۵	۴۲	۲۱	۳۴	۱۷	۳۳	۱۶٫۵	۲۰۰	۱۰۰
	فعالیت‌های زنانه (مناسب بانوان)	۴۴	۲۲	۴۵	۲۲٫۵	۵۶	۲۸	۲۵	۱۲٫۵	۳۰	۱۵	۲۰۰	۱۰۰
دسترسی	نفوذپذیری	۲۸	۱۴	۴۴	۲۲	۶۰	۳۰	۳۵	۱۷٫۵	۳۳	۱۶٫۵	۲۰۰	۱۰۰
	سرویس‌دهی حمل و نقل عمومی	۱۴	۷	۲۵	۱۲٫۵	۸۰	۴۰	۵۰	۲۵	۳۱	۱۵٫۵	۲۰۰	۱۰۰
	تفکیک حرکت سواره و پیاده	۴۰	۲۰	۵۰	۲۵	۶۵	۳۲٫۵	۲۵	۱۲٫۵	۲۰	۱۰	۲۰۰	۱۰۰
	نبودن ترافیک سواره	۱۸	۹	۲۵	۱۲٫۵	۷۶	۳۸	۵۰	۲۵	۳۱	۱۵٫۵	۲۰۰	۱۰۰
	نبودن ازدحام پیاده	۲۶	۱۳	۴۵	۲۲٫۵	۷۰	۳۵	۳۶	۱۸	۲۳	۱۱٫۵	۲۰۰	۱۰۰

جدول ۸: نتایج آماری مربوط به اغتشاشات معنایی در محدوده مطالعاتی

عامل	شاخص	خیلی زیاد		زیاد		متوسط		کم		خیلی کم		مجموع	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد		
معنا	سازگاری معنایی	۲۰	۱۰	۴۰	۲۰	۱۰۰	۵۰	۲۰	۱۰	۲۰	۱۰	۲۰۰	۱۰۰
	ادراک معنایی	۳۳	۱۶٫۵	۴۹	۲۴٫۵	۶۷	۳۳٫۵	۲۱	۱۰	۳۰	۱۵٫۵	۲۰۰	۱۰۰
	شهرت مکان	۴۵	۲۲٫۵	۸۰	۴۰	۵۵	۲۷٫۵	۱۲	۶	۸	۴	۲۰۰	۱۰۰

مقوله احساس ناامنی بانوان در این محدوده را تعریف کنند (در زمینه ویژگی های محیطی). چهارچوب یاد شده می تواند به عنوان ابزاری راهنما در اختیار برنامه ریزان، مدیران و طراحان شهری قرار بگیرد تا بتوانند از طریق مداخله در ویژگی های محیطی (به عنوان

متغیر مستقل)، میزان ایمنی و امنیت در فضاهای شهری (به عنوان متغیر وابسته) را افزایش دهند. در جمع بندی نتایج پژوهش، مهم ترین ویژگی های محیطی تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری در قالب جدول شماره ۹ تنظیم شده است.

جدول ۹: ویژگی های محیطی تأثیرگذار بر احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری

بعد	عامل	شاخص/متغیر	منطق				
بعد	عامل	شاخص/متغیر	-ساختار و فرم فیزیکی در کاهش یا افزایش نمایانی بافت مؤثر است. اختلاف سطح افقی، وجود کنج ها و نقاط گم و ناپیدا، به دلیل کاهش نمایانی بافت، زمینه مساعدی برای ارتکاب جرم یا اختفای مجرمان و بزهکاران را فراهم می آورد و همین امر در بانوان ترس از قربانی بزه شدن را ایجاد می کند. از سوی دیگر فرم مطلوب و مناسب فضاهای شهری، با به حداکثر رساندن نمایانی بافت احتمال بروز بزه و رفتارهای مجرمانه را کاهش می دهد.				
			ساختار فیزیکی	-فضاهای بسیار کوچک باعث ایجاد ازدحام و تأمین نبودن نیاز به خلوت افراد می شود و فضاهای بسیار بزرگ، بی کران و خالی، اضطراب آور است و به دلیل کاهش نظارت، زمینه رفتارهای ناهنجار اجتماعی را فراهم می کنند.			
			فرم	-متناسب نبودن اندازه و شکل فضا، باعث ایجاد سردرگمی و تشویش در افراد می شود و با ایجاد اغتشاش در افزایش ترس از جرم تأثیرگذار است.			
			دانه بندی / فشردگی	ریزدانگی و فشردگی زیاد بافت باعث افزایش تراکم جمعیتی و در نتیجه ازدحام خواهد شد. این موضوع تهدید حریم شخصی افراد و به تبع آن احساس ناخوشایند اضطراب و ترس را به دنبال خواهد داشت. از سوی دیگر درشت دانگی بیش از حد بافت نیز با ایجاد احساس خالی و تهی بودن فضا زمینه ساز اضطراب خواهد بود.			
			انعطاف مکان	از آنجا که فعالیت ها در فضاهای شهری دائماً در حال تغییر هستند، انعطاف پذیری کالبد می تواند ضمن تأمین بالاترین کارایی فضا و فراهم آوردن زمینه بهره مندی از تنوع و اختلاط مناسب فعالیت ها، از تداخل فعالیت های مختلف با هم جلوگیری به عمل آورد.			
			کیفیت کالبدی	فرسودگی و کیفیت نازل کالبدی بافت به دلیل اغتشاشات کالبدی و بصری خود موجب جذب مجرمان به سمت خود، کاهش کنترل و نظارت افراد و در نهایت افزایش ترس از جرم می شود.			
			سلسله مراتب فضایی	وجود سلسله مراتب فضایی از این جهت در مقوله احساس امنیت اهمیت دارد که رعایت نکردن سلسله مراتب بصری و معنوی و تغییر ناگهانی فرم و اندازه در فضاهای شهری به دلیل نداشتن امکان تغییر موضع سریع استفاده کنندگان فضا باعث ایجاد غافلگیری و استرس در آنان می شود. همچنین رعایت نکردن قلمرو فضاهای نیمه عمومی، خصوصی و عمومی موجب اغتشاش در فضا می شود.			
			کیفیت محیطی	کیفیت محیطی	تداوم بصری	آسایش بصری و نبودن اغتشاش بصری از این جهت در مقوله امنیت دارای اهمیت است که اغتشاش بصری از طریق احساس و ادراک روی رفتارهای اجتماعی انعکاس می یابد و اغتشاش رفتاری یا رفتار آنومیک در فضای شهری را توجیه می کند.	
						آسایش بصری	اهمیت تداوم بصری در مقوله امنیت به این دلیل است که نداشتن تداوم بصری باعث کاهش نمایانی و در نتیجه ضعیف شدن نظارت بر فضا می شود.
						کاربرد مناسب رنگ	رنگ ها علاوه بر اهمیت زیبایی شناسی، تأثیرات روحی، روانی و عاطفی عمیقی در افراد ایجاد می کنند. بی نظمی در انتخاب رنگ و کاربرد نامناسب رنگ در فضای شهری نه تنها موجب ایجاد اغتشاش بصری می شود، بلکه می تواند از طریق تأثیرات روانی زمینه های بروز رفتارهای پر خاش گرانه، خشونت آمیز و آنومیک را تقویت کند.
روشنایی و نورپردازی	نداشتن نورپردازی مناسب فضای شهری از طریق کاهش نمایانی، نظارت بر فضا را کاهش می دهد و در ایجاد فضاهای بدون دفاع و افزایش ترس از جرم تأثیرگذار است.						
کیفیت محیطی	کیفیت محیطی	آسایش بصری	نور اندک یا نور شدید و خیره کننده با ایجاد آلودگی بصری، در افراد ایجاد استرس و تشویش می کند.				
			آسایش اقلیمی	نبودن آسایش اقلیمی مشکلاتی را برای عابران و استفاده کنندگان فضا ایجاد می کند و در مواردی نیز موجب خطراتی چون لیز خوردن و... می شود.			
			پوشش گیاهی مناسب	وضعیت نامناسب پوشش گیاهی از طریق سایه اندازی یا انقطاع دید در ایجاد فضای اختفا و فضاهای غیر قابل دفاع و به تبع آن ایجاد احساس ترس از جرم در استفاده کنندگان فضا تأثیرگذار است.			
			آسایش محیطی	برخورداری فضاهای شهری از تجهیزات و مبلمان شهری امکان حضور و مکث افراد را افزایش می دهد و این امر افزایش حضور پذیری و به تبع افزایش نظارت غیر رسمی بر فضا را به همراه خواهد داشت. بر عکس، برخورداری نبودن از تجهیزات و مبلمان شهری مناسب به نوعی باعث ایجاد بی نظمی و اغتشاش در فضا می شود که مغایر با آسایش و راحتی استفاده کنندگان فضا است. چنین اغتشاشی می تواند از کارایی فضای شهری بکاهد و در افراد احساس ناراضیاتی از فضا یا اضطراب ایجاد کند.			
نبودن آلودگی های زیست محیطی	وجود و تراکم انواع آلودگی در فضای شهری به دلیل القای احساس نبودن نظارت بر فضا انگیزه مجرمان برای ارتکاب جرم را افزایش می دهد و به این ترتیب در افزایش ناامنی فضا تأثیرگذار است.						

عملکرد	وضعیت کمی و کیفی فعالیت‌ها و خدمات	کیفیت سکونت	کیفیت سکونت نقش پررنگی در زمینه‌سازی انحرافات دارد؛ به گونه‌ای که بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند ریشه بسیاری از انحرافات و رفتارهای آنومیک را می‌توان در مسکن نامناسب یافت.	
		وضعیت دسترسی به خدمات	وجود کاربری‌های خدماتی مناسب در مقیاس محلات با دسترسی مناسب به همه قسمت‌های محله این امکان را فراهم می‌کند که همه افراد، به ویژه زنان بتوانند از حقوق شهروندی خود برخوردار شوند. وجود مراکز آموزشی، فرهنگی، ورزشی و فضای سبز و... مخصوص زنان این امکان را فراهم می‌کند که این افراد بدون احساس ترس یا ناامنی از این خدمات بهره‌مند شوند.	
		وضعیت کمی و کیفی فعالیت‌ها و خدمات	اختلاط مناسب کاربری‌ها و تنوع فعالیت‌ها	نواحی چند کارکردی با جذب شهروندان به خود در تمام ساعات سطح نظارت غیررسمی را بالا می‌برد و با افزایش نظارت بر فضا انگیزه و فرصت ارتکاب جرم توسط بزهکاران کاهش می‌یابد.
		وضعیت کمی و کیفی فعالیت‌ها و خدمات	نبودن اراضی بایر، رها شده و بدون استفاده	اراضی رها شده و بدون استفاده این احساس را به مجرمان القا می‌کند که نظارتی بر فضا وجود ندارد و همین امر باعث افزایش انگیزه جرم می‌شود. در بسیاری از موارد اراضی بایر و رها شده تبدیل به فضاهای بدون دفاع و محل اختفای مجرمان و بزهکاران می‌شوند.
	کارایی شبکه حرکت و دسترسی	فعالیت‌ها و زندگی شبانه	فعال و پویا بودن فضاهای شهری در تمام ساعات شبانه‌روز از جمله شب‌ها باعث کاهش احساس ترس و اضطراب استفاده‌کنندگان فضا در شب‌ها می‌شود و از سوی دیگر با افزایش نظارت اجتماعی انگیزه مجرمان برای ارتکاب جرم و به تبع میزان ترس از جرم را کاهش می‌دهد.	
		فعالیت‌های زنانه (مناسب بانوان)	حضور و تجمع فعالیت‌های مردانه در یک فضا از دیگر عوامل ایجادکننده اضطراب در بانوان است. بهتر است فعالیت‌هایی متناسب با روحیات و نیازهای بانوان نیز در محلات شکل گیرد و از تجمع فعالیت‌های به شدت مردانه در کنار هم جلوگیری شود.	
		نفوذپذیری	نفوذپذیری قاعده‌مند و همراه با رعایت سلسله مراتب فضایی، ضمن افزایش دسترسی پذیری، با در اختیار قرار دادن مسیرهای مختلف به افراد قدرت انتخاب می‌دهد. از سوی دیگر نفوذپذیری بدون قاعده اغتشاش و بی‌نظمی را به همراه خواهد داشت.	
		سرویس دهی مناسب شبکه حمل و نقل عمومی	از آنجا که بخش قابل توجهی از جابه‌جایی‌های بانوان با استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی صورت می‌گیرد، نداشتن کارایی سیستم حمل و نقل عمومی و نابسامانی ایستگاه‌های انتظار آنها، یا ناامن بودن آنها، در بانوان ایجاد اضطراب می‌کند.	
معنا	کارایی شبکه حرکت و دسترسی	نبودن ازدحام پیاده	متناسب نبودن اندازه فضای شهری و تعداد استفاده‌کنندگان تراکم فضا را افزایش می‌دهد و منجر به احساس ناخوشایند از بین رفتن حریم شخصی افراد و در نتیجه ازدحام می‌شود. احساس ازدحام افزایش ترس از جرم را به همراه دارد.	
	سازگاری معنایی	-	ترافیک سواره با ایجاد انواع آلودگی‌ها (صوتی، بصری، هوا و محیطی) بر سلامت افراد اثر می‌گذارد و با ایجاد فشار روانی، هم بر رانندگان و هم بر پیاده‌ها، فضای شهری را پرتنش کرده و در استفاده‌کنندگان فضا استرس ایجاد می‌کند. افزون بر این، حضور اتومبیل در فضای شهری حتی اگر همراه با ترافیک نباشد، به لحاظ ایمنی مطلوب نیست.	
	ادراک معنایی	-	بدیهی است که نبودن تفکیک مناسب حرکت سواره و پیاده ایمنی و امنیت را مورد تهدید قرار می‌دهد.	
	شهرت مکان	-	سازگار نبودن شکل ظاهری، نوع فعالیت و معنای محیط باعث ایجاد اغتشاش معنایی می‌شود و افراد را دچار غافلگیری و به دنبال آن اضطراب و استرس می‌کند.	
			نبودن امکان ادراک معنایی و درک پیام‌های فضا باعث سردرگمی و تشویش و به دنبال آن اضطراب و استرس خواهد شد.	
			بدنامی فضا انگیزه افراد برای حضور در آن فضا را کاهش می‌دهد و کاهش حضورپذیری فضا به دلیل کاهش نظارت غیررسمی و اجتماعی زمینه جرم‌خیزی بیشتر فضا را فراهم می‌کند و همین امر تمایل افراد برای حضور در فضا را بیش از پیش کاهش می‌دهد. تا جایی که فضا پویایی خود را از دست می‌دهد و به فضایی مرده بدل خواهد شد.	

نتایج حاصل از مقایسه مؤلفه‌های چهارچوب مفهومی پیشنهادی این پژوهش با نظریات مرور شده در قسمت مبانی نظری، در جدول شماره ۱۰ قابل مشاهده است. در حقیقت جدول یاد شده، مؤلفه‌های مشترک بین نظریات مورد بررسی و چهارچوب مفهومی این پژوهش را نشان می‌دهد.

همان‌گونه که در جدول ۱۰ مشاهده می‌شود، بیشترین اشتراک میان مؤلفه‌های رویکرد موقعیتی شش نظریه مورد بررسی و چهارچوب مفهومی پیشنهادی این پژوهش، مربوط به دو بعد فرم و عملکرد محیط هستند و با وجود تأکید بر نظارت و کنترل، مالکیت و مشارکت، حاکمیت و شرایط اجتماعی، در نظریات یاد شده تأکیدی بر بعد معنایی محیط‌های شهری نشده است.

جدول ۱۰: مقایسه مؤلفه‌های محیطی مورد تأکید در نظریات کاهش فرصت ارتکاب به جرم از طریق طراحی محیطی با چهارچوب مفهومی پژوهش

نوشهرگرایان	هیلبر	ویلسون و کلینگ	کرو و جفری	اسکار نیومن	جین جیکوبز	نظریه پرداز	مؤلفه	بعد
***	*		**	*	***	قلمرو و سلسله مراتب فضایی		فرم
		***	***	***	***	کیفیت کالبدی (جلوگیری از فرسودگی کالبدی)		
**		**		**	***	تراکم ساختمانی متوسط		
	**	**	*	*		تداوم بصری		
***	*		**	*	***	کاربری مختلط		عملکرد
**	*	*	*	*	***	نفوذپذیری		
***	*	**	**	*		کارایی شبکه حرکت و دسترسی		

*: نسبتاً موافق
 **: موافق
 ***: کاملاً موافق

توجه به این نکته ضروری است که ادراک بانوان از ایمنی و امنیت صرفنظر از ویژگی‌های محیطی، تابعی از ویژگی‌های فردی، اجتماعی، روانی و فرهنگی و ... نیز می‌باشد. مقایسه نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات صورت گرفته در کشورهای دارای اشتراکات فرهنگی مؤید این موضوع است. برای مثال در تحقیقات صورت گرفته توسط مؤسسه جاگوری^۱ در دهلی به ویژگی‌های مشترک زیادی چون نورپردازی، وضعیت کاربرد علائم و تابلوها (خوانایی)، کیفیت کالبدی محدوده، وضعیت حفاظت و نگهداری بافت، تمرکز فعالیت‌های مردانه، وجود نقاط اختفا و فاقد نظارت، بدنامی فضاها، وضعیت مبلمان شهری، وضعیت تابلوها و علائم راهنما، وضعیت سیستم حمل و نقل عمومی و ... به عنوان مؤلفه‌های تأثیرگذار بر احساس و ادراک بانوان از امنیت و یا ناامنی اشاره شده است. گفتنی است که چهارچوب پیشنهادی این پژوهش براساس ویژگی‌های فرهنگی و مذهبی غالب جامعه ایرانی تدوین شده است.

با توجه به جدول شماره ۹ و چهارچوب مفهومی پیشنهاد شده در این پژوهش، راهبردهای کلان زیر برای ارتقای احساس امنیت بانوان در فضاهای شهری توصیه می‌شود:

- ارتقای کیفیت کالبدی بافت.
- رعایت سلسله مراتب (عمومی، نیمه خصوصی و خصوصی) در طراحی فضاها.
- نورپردازی مناسب.
- تجهیز محدوده به مبلمان شهری مناسب و کارآمد.
- کاربرد مناسب رنگ در فضاهای شهری.
- شناسایی مکان‌های آسیب‌پذیر و افزایش میزان تردد در آنها از طریق تزریق فعالیت‌های جاذب جمعیت.
- کاهش و به حداقل رساندن انواع آلودگی در محدوده.
- ارتقای کیفیت سکونت در محدوده از طریق نظارت دقیق بر اجرای مقررات و استانداردهای ساخت و ساز.
- استفاده از اراضی فاقد فعالیت برای مرتفع نمودن کمبودهای خدماتی محدوده.
- فراهم آوردن امکان حیات، فعالیت و امنیت فضا در کلیه ساعات شبانه‌روز.
- جلوگیری از تجمع فعالیت‌های مردانه و ایجاد فضاهای مردانه.
- ارتقای کیفیت شبکه معابر و رعایت سلسله مراتب در ساختار شبکه ارتباطی.
- تفکیک مناسب حرکت سواره و پیاده.
- مناسب‌سازی پیاده‌روها.
- ارتقای کیفیت سیستم حمل و نقل عمومی.
- ایجاد احساس تحت کنترل بودن محیط از طریق افزایش رؤیت‌پذیری بافت و نیز استفاده از ابزارهای نظارت مصنوعی.
- افزایش ضریب آشنا بودن و شهرت محیط.
- افزایش خوانایی محیط.
- افزایش امکان دسترسی به امداد در مواقع بروز خطر و ...

- افزایش رونق اجتماعی فضاها و جلوگیری از ایزوله شدن آنها.
- ایجاد فضاهای مکث در محدوده و افزایش تمایل به حضور و مکث در فضا از طریق ارتقای کیفیت فیزیکی و زیبایی‌شناسانه بافت.
- حذف و یا به حداقل رساندن نقاط غیرقابل دفاع و مکان‌های ناپیدا و اختفا از طریق مداخله در ساختار فیزیکی و ساماندهی کالبدی بافت.

- Preceived Social Environment and Neighborhood Safety” Health Implications. *Health Place*, 1007-1013.
- Drags and Crime Prevention Committee (2013). *Inquiry into the Application of Safer Design Principals and Crime Prevention through Environmental Design*. Authority Government Printer for State of Victoria.
 - Foster, S. and Giles-Corti ,B. and Knuiman, M. (2011). “Creating safe walkable streetscapes: Does house design and upkeep discourage”, *Environmental Psychology*, 79-88.
 - Foster, S. and Giles-Corti ,B. and Knuiman, M. (2011). “Neighbourhood design and fear of crime: A social-ecological examination of the correlates of residents’ fear in new suburban housing developments”, *Health & Place*, 1156-1165.
 - Haji Ahmadi Hamedani, A. and Majedi, H. and Jahanshahlou, L., (2015). Investigation of the effective parameters on the increase on women social activities in urban spaces: Case Study: Poonak Neighborhood (Golestan St.) of Tehran City, *Urban Studies Journal*, 14 (1), Pp: 47-60 [in Persian].
 - Hiller, B. (1996). “Cities as Movement Systems”, *Urban Design International*, 1(1), 47-60.
 - Hooman, H., (1994). *scientific methods in behavioral sciences*, Parsa Publications [in Persian].
 - Jacobs, J. (1965). “The Dead and Life of Great American Cities”, Random House.
 - Jagori, Team, (2010). “Understanding Women’s Safety: Towards a Gender Inclusive City”, *Research Findings*, Delhi, Jagori.
 - Kagawa-Singer, M. and V. Padilla, G. and Ashing-Giwa ,K. (2010). “Health-Related Quality of Life and Culture”, *Seminars in Oncology Nursing*, 59-67. Lubuva, J. and Mtani, A., (2004). *Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam*, Safety Audits for Women.
 - Kargar, B. and Rahim, S., (2013). *City, Suburb and Social Security (With a look at the southern suburbs of Tehran and Islam Shahr)*, 2nd Edition, Geography Department Publications of Military Forces [in Persian].
 - Koskela, H, and Pain, R., (2000). “Revisiting Fear and Place: Women’s Fear of Attack and the Built

References:

- Alford, R. P. (2012). “Broken Windows Theory of International Corruption”, *Ohio State Law Journal*, 5(73), 1253-1282.
- Alikhah, F. and Najibi Rabiee, M., (2006). Women and Fear of the crime in the urban spaces, *Social Welfare Journal*, 6 (22), Pp: 109-131 [in Persian].
- Bagh-e-Andisheh Engineering Consultants, (2014). *The report of the Healthy and Special Neighborhoods*, The Office of Renovation of the Healthy and Special Neighborhoods, Tehran [in Persian].
- Bazargan, A. and Sarmad, Z., (1997). *Method of Research in Behavioral Science*, Agah Publications [in Persian].
- Bemanian, M. and Mahmoodinejad, H., (2008). A study on the effective parameters of the feeling of urban security: Case Study: Kerman City, *Urban Management Journal*, Vol.4, No. 19, Pages 59-72 [in Persian].
- Bemanian, M. and Mahmoodinejad, H., (2009). *Security and Urban Design*, Helleh/Tahan Publications [in Persian].
- Brown , B. B., Perkins, D. D., & Brown .G., (2004). “Crime, new housing, and housing incivilities in a first-ring suburb: multilevel relationships across time”, *Housing*, 301-345.
- Buss, D. M, Larsen, R. J. & Westen, D. Semmelroth. (1992). “Sex differences in jealousy: Evolution, physiology and psychology” , *Psychological Science*, Vol. 3, No.4, Pp: 251-254.
- Buzan, B. (1983). “People, states, and fear: the national security problem in international relations”, *University of North Carolina*.
- Cinar, Eylem Akman and Cubukcu, Ebru, (2012). “The influence of micro scala environmental characteristics on crime and fear”, *Social and Behavioral Sciences*, *Procedia*, 83-88.
- Clarke, R.V.G. (1997). *Situational Crime Prevention: Successful Case Studies*, Harrow & Heston Publishers.
- Cozens, Michael and P., Saville and G., Hillier D., (2005). “Crime prevention through environmental design (CPTED):a review and modern bibliography”, *Property Management*, 328-356.
- De Jesus, Puleo M. E. and Shelton, R. C., and M. Emmons, K., (2010). “Associations between

Journal of Urban Technology, 3 (6), 59-73.

- Zahm, Diane (2007). Using Crime Prevention through Environmental Design in Problem Solving. Problem Solving Tools Series Guide. No.8, U.S. Department of Justice Office of Community Oriented Policing Services.
- Loukaitou-Sideris, A. and Liggett, R., and Hiseki, H., (2002). "The geography of transit crime" Documentation and Planning Education and Research, 135-151.
- Lubuva, J. & Mtani, A. (2004). Urban Space and Security: A Case of the Dar es Salaam, Safety Audits for Women.
- Mair, Christina, (2010). "Neighborhood stressors and social support as predictors of depressive symptoms in the Chicago Community Adult Health Study; Health & Place", 819-811.
- Mirhoseini, Z., (2008). Sociological survey of the reasons and effective parameters on the women's fear of crime in Tehran, M. S. Thesis, University of Tehran, Sociology Faculty [in Persian].
- Moser, C O.N., (2004). "Urban Violence and Insecurity: An Introductory Roadmap." Environment and urbanization, 3-16.
- Nasiri, M., (2003). Addiction and its relationship with the people occupation in urban spaces, Geographical Studies Journal, 18 (70), Pp: 91-104 [in Persian].
- Newman, O. (1973). "Defensible Spaces: People & Design in Violent City", Architectural Press.
- Pain, R.(2000). "Place, Social Relations and the Fear of Crime: a review", Progress in Human Geography, 365-387.
- Pitner, R. O. and ManSoo, Y. and Brown, E., (2012). "Making neighborhoods safer: Examining predictors of residents' concerns about neighborhood safety", Journal of Environmental Psychology, 43-49.
- Rajabi, A. and Azimi, A., (2015). Women's feeling of security in tourist towns with a look to the urban designing, Women Journal, (6) 3, Pp 81-102 [in Persian].
- Saremi, H. and Saremi, M., (2011). Investigation and analysis of the effective parameters on the forming of the secure town according to the Islam sight of view, Urban Management Journal, 9 (27), Pp: 7-18 [in Persian].
- Schneider, R.H. and Kitchen, T. (2007). "Crime Prevention and the Built Environment", Routledge.
- Schweitzer, J.H. and Kim, J.W. and Mackin, J. R. (1999). "The Impact of the Built Environment on Crime and Fear of Crime in Urban Neighborhood",